

## **A study of the secularist thoughts of freedom movements facing with Islamic Revolution's discourse with respect to Bazargan's Perspective**

**Isa Molavi vardanjani<sup>1</sup>**  
**David feizafra<sup>2</sup>**

*1. Phd. Student of Islamic Revolution, Islamic Maaref University, Qom, Iran (Corresponding Author); molavi131@gmail.com*

*2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Islamic Azad University, Shahr-e-Qods Branch, Tehran, Iran; feizafra@chmail.ir*

**Received:** 31 January 2019; **Accepted:** 14 April 2019

### **Abstract**

A study of the secularist thoughts of freedom movements facing with Islamic Revolution's discourse with respect to Bazargan's Perspective In this regard, the components of secularism in Bazargan's thinking, including nationalism, opposition to the principle of Velayat-e Faqih, interpretation of religion based on liberalism, opposition to the establishment of religious government, opposition to the implementation of religious laws were examined. Moreover, facing Islam with thought of freedom movement was among debated issues. Results indicate that according to discourse analysis, nationalisms attached to the minimum role of religion are the basis of central freedom movement and this will lead to the political secularism. The nature of freedom movement is in contrast with Islamic revolution discourse. So that these two point of view would be classified as in total contradiction.

**Keywords:** Secularism, Freedom Movement, Islamic revolution, Mehdi Bazargan, Guardianship of the Islamic Jurist.

## بررسی اندیشه سکولاریستی نهضت آزادی در مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه مهندس بازرگان

عیسی مولوی وردنجانی<sup>۱</sup>

داود فیض‌افرا<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول): molavi131@gmail.com

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، تهران، ایران: feizafra@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین اندیشه سکولاریستی نهضت آزادی در مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه مهندس مهدی بازرگان بود. در این راستا، مؤلفه‌های سکولاریسم در اندیشه بازرگان شامل ملی‌گرایی، مخالفت با اصل ولایت فقیه، تفسیر دین براساس لیبرالیسم، مخالفت با تشکیل حکومت دینی، مخالفت با اجرای احکام دینی بررسی شد. همچنین اسلام ناب محمدی و مواجهه اندیشه نهضت آزادی با گفتمان انقلاب اسلامی از دیگر مباحث مورد بحث در این پژوهش بوده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بر اساس روش تحلیل گفتمان، «ملی‌گرایی با نگرش حداقلی به دین» دال مرکزی نهضت آزادی و اساس مفصل‌بندی سایر مفاهیم این اندیشه محسوب شده و این نگرش حداقلی، در حیطه سیاست منجر به سکولاریسم می‌شود. ماهیت نگرش نهضت آزادی با گفتمان انقلاب اسلامی در تضاد قرار دارد؛ چرا که در گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام ناب با نگرش حداکثری به دین، دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد و سایر دال‌ها توسط این نگرش مفصل‌بندی می‌شود. بنابراین نوع مواجهه این دو اندیشه کاملاً در تضاد یکدیگر ارزیابی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سکولاریسم، نهضت آزادی، انقلاب اسلامی ایران، مهدی بازرگان، ولایت فقیه، ملی‌گرایی.

## مقدمه

پیامد ورود تجدد به ایران، آغاز تهاجم جریان روشنفکری بر ضد سنت‌های دینی بود. این جریان ضمن بهره‌برداری از غفلت متفکران اسلامی و در لوای جذابیت دستاوردهای تکنولوژیک، درصدد بود تفکر غرب را در معادلات فکری جامعه ایران وارد کند و نظام اعتقادی جدیدی را بنیان نهد. با شکست این طیف از روشنفکری، به ناچار جریان سکولار با تغییر رویکرد، تلاش کرد با بهره‌گیری از نفوذ دین در جامعه، اعتماد جوانان را جلب نموده، زمینه را برای سکولاریزه<sup>۱</sup> کردن جامعه ایران فراهم کند. در این راستا، جریان‌های مختلفی با الهام از اندیشه‌های غربی به تئوری‌سازی دینی پرداختند. از جمله این جریان‌ها، نهضت آزادی بود که با رهبری مهندس مهدی بازرگان به تلفیق دین با اندیشه‌های غربی پرداخت. مسئله پژوهش حاضر بررسی اندیشه سکولاریستی نهضت آزادی در مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی است.

با توجه به اینکه شکل‌گیری اندیشه‌های التقاطی در جامعه اسلامی منجر به ایجاد چالش‌های ایدئولوژیکی می‌شود، باید اذعان داشت پرداختن به چنین مسائلی از این جهت حائز اهمیت است که با تحلیل گفتمان نهضت آزادی، میزان شباهت و افتراق آن با گفتمان انقلاب اسلامی، جهت بررسی دقیق میزان غیریت‌سازی و تهدید گفتمان نهضت آزادی فراهم می‌گردد که نوآوری تحقیق حاضر نیز در این دستاورد لحاظ می‌شود. به نظر می‌رسد نهضت آزادی با محدود ساختن گستره نگاه دینی خود بر تجربه بشری و عقل‌ابزاری و محروم کردن خود از معارف خطاناپذیر وحی، به دامان ایدئولوژی‌های غربی افتاده و به جهت تأکید مفرط در بهره‌گیری از آموزه‌های سکولاریسم، مبانی دین را به محاق می‌برد و در نهایت در وادی اندیشه‌های غربی به دین حداقلی بسنده می‌کند.

با ابتدای بر فرضیه مذکور، سکولاریسم دال مرکزی گفتمان نهضت آزادی را تشکیل می‌دهد. از جمله آثاری که در مورد مبانی فکری نهضت آزادی نوشته شده، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مقاله «نگاهی معرفت‌شناختی به گسست میان نهضت آزادی و انقلاب اسلامی ایران» (ر.ک: صدر شیرازی، ۱۳۸۸). این مقاله به مبانی انسان‌شناسی، نگاه علم‌گرایانه و... پرداخته و نویسنده بیشتر به متدولوژی اندیشه مهندس بازرگان اشاره داشته است.

مقاله «مبانی اندیشه سیاسی مهندس بازرگان با تأکید بر نسبت دین و سیاست» (ر.ک: قادری و حاجی‌زاده، ۱۳۹۲). نویسنده در این تحقیق به دنبال کشف رابطه دین و سیاست در اندیشه مهندس بازرگان بوده و به این نتیجه می‌رسد که در اندیشه بازرگان ضرورتی بر ارتباط دین و سیاست نیست. همچنان که چنین فرایندی در مقاله «رابطه دین و سیاست در اندیشه مهندس بازرگان» (ر.ک: خواجه سروی، ۱۳۷۵) طی شده است.

اثر دیگر «مبانی فکری نهضت آزادی در حوزه دین و سیاست با تأکید بر اندیشه مهندس بازرگان» (ر.ک: مولوی وردنجانی و ارجینی، ۱۳۹۷) است که نویسنده ضمن بیان مبانی فکری نهضت آزادی همچون علم‌گرایی، لیبرالیسم، اومانیزم، دموکراسی، به اندیشه سکولاریستی نهضت آزادی به صورت گذرا اشاره کرده است. تحقیق دیگر کتاب «آسیب‌شناسی دین‌پژوهی» در این حوزه بسیار حائز اهمیت می‌باشد (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۹۴). اما نویسنده مبتنی بر چارچوب مشخصی به نقد اندیشه‌ها پرداخته است. همچنان که کتاب «دین‌شناسی معاصر» اینگونه است (ر.ک: محمدی، ۱۳۷۴). افزون بر اینکه نویسنده با نگاهی سکولاریستی به تحلیل اندیشه‌ها می‌پردازد که با واقعیت فاصله بسیار دارد.

با توجه به نوشته‌هایی که در این حوزه مشاهده شد، می‌توان گفت که تحقیقی مرتبط با اندیشه سکولاریستی نهضت آزادی در مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی یافت نشد. البته برخی از آثار به این موضوع به صورت جزئی پرداخته‌اند، اما به‌عنوان یک فعالیت پژوهشی مورد مطالعه قرار نگرفته است.

### مفهوم‌شناسی سکولاریسم

سکولاریسم در وسیع‌ترین معنای خود به توسعه اومانیزم اشاره دارد؛ چراکه در آن مردم شروع به نشان دادن علاقه بیشتر به دستاوردها و امکان ارضای خاطر در این جهان کرده‌اند

(سیاوشی، ۱۳۸۰: ص ۱۸۴). در اندیشه روشنفکران سکولار مسلمان، هرچند مبنای ناتوانی و نیازمندی انسان شکسته می‌شود، اما مانند اومانیسیم، انسان میزان و معیار همه چیز قرار نمی‌گیرد. اومانیسیم روشنفکران سکولار مسلمان، اومانیسیم خاص است، یعنی به نوعی اومانیسیم تعدیل شده به دور از اصول الحادی معتقدند که آثاری مانند تأکید بر توانایی عقل و دانش بشری، تأکید بر آزادی و اختیار انسان در ساختن زندگی این‌جهانی، رنگ‌باختن شدید افکار تقدیرگرایانه و حاکمیت نظریات دینی بر عرصه اندیشه سیاسی و حکومت و رد حاکمیت، نفی واسطه‌گری روحانیون دینی بر جامعه و در ارتباط فرد و خدا و غیره را دارد که می‌توان از اثرات اومانیسیم غرب بر اندیشه مسلمانان سکولار به حساب آورد.

### روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف

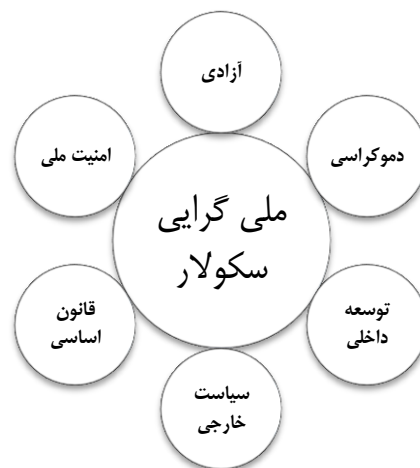
الگوی تبیینی پژوهش حاضر بر رویکرد تبیینی-تحلیلی و براساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه<sup>۱</sup> مبتنی است. نظریه گفتمان این دو اندیشمند سیاسی، قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی دارد. این قابلیت در سایه بکارگیری مفاهیمی چون «مفصل‌بندی» به دست می‌آید. مفصل‌بندی، گنشی است که میان عناصر مختلفی مانند مفاهیم، نمادها، اعمال و غیره چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده و هویتی جدید می‌یابند. از این‌رو، هویت یک گفتمان، در اثر رابطه‌هایی که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون آن به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳: ص ۴۶).

در روش تحلیل گفتمان از مولفه‌هایی مانند دال مرکزی، دال شناور، مفصل‌بندی، قدرت، ضدیت، دال تهی و غیره برای تبیین گفتمان‌ها استفاده شده که مهم‌ترین مؤلفه در یک گفتمان، دال مرکزی آن است. دال مرکزی، به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن مفصل‌بندی می‌شوند، می‌گویند (خلجی، ۱۳۸۶: ص ۵۴). بنابراین، در گفتمان‌ها، دال مرکزی به

مثابهٔ عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد، به همین دلیل هسته اصلی یک گفتمان را تشکیل می‌دهد و معنایی سایر دال‌ها نیز منوط به دال مرکزی است.

### ۱. نظام معنایی و دال مرکزی گفتمان نهضت آزادی ایران

با بررسی نظامنامهٔ تأسیس نهضت آزادی ایران، برنامهٔ ساختار و آرایش و دال‌های گفتمانی جریان نهضت آزادی قابل مشاهده است. این گفتمان دارای مفاهیم و دال‌هایی چون قانون اساسی، امنیت ملی، پیشرفت، عمران و آبادانی و آزادی‌خواهی است که حول دال مرکزی «ملی‌گرای سکولار»، مفصل‌بندی شده‌اند. مفاهیمی همچون آزادی، دموکراسی، امنیت ملی، توسعه داخلی، قانون اساسی و سیاست خارجی دال‌هایی هستند که براساس دال مرکزی «ملی‌گرای سکولار» معنادهی شده‌اند.



شکل ۱. ترسیم گفتمان نهضت آزادی

### ۱-۲. مؤلفه‌های سکولاریسم در اندیشه مهندس بازرگان

گفتمان نهضت آزادی بر محور اندیشه‌های بازرگان شکل گرفت. ایشان سایر مؤلفه‌ها را براساس دال مرکزی «ملی‌گرایی سکولار» مفصل‌بندی و معنادهی کرده و آرمان تشکیل نظام

دموکراسی براساس چنین اندیشه‌ای را داشت. بازرگان دو مرحله فکری را از سرگذرانده که مهم‌ترین ویژگی بازرگان در مرحله اول فکری خویش، دفاع از دین و مبارزه برای رفع عقب‌ماندگی خلاصه می‌شود. ایشان برای رفع انحطاط و ایجاد حرکت و رشد در جامعه اسلامی به روش‌های گوناگونی مانند فهم اجتماعی دین، دعوت به عمل‌گرایی، پیوند دنیا و آخرت متوسل می‌شود (محمدی، ۱۳۷۴: ص ۳۰۶). در مرحله دوم فکری و در آخرین سخنرانی خود با عنوان «خدا و آخرت هدف بعثت انبیاء» متأثر از فضای پیرامونی، دچار نوعی استحاله و دگردیسی پارادایمی می‌شود و دین را در حوزه خصوصی زندگی قرار داده و مدیریت حوزه اجتماعی حیات آدمی را به دست عقل و علم می‌سپارد (قریشی، ۱۳۸۴: ص ۲۰۹).

جدایی دین از سیاست، در اندیشه رهبر نهضت آزادی به عنوان دال مرکزی به شمار می‌رود (ر.ک: بازرگان، ۱۳۷۳: ص ۵۶). چراکه سکولاریسم را از مؤلفه‌های بنیادین مدرنیته می‌داند. ابتدای ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر عدم دخالت دین در سیاست بود. از این‌رو تأکید می‌کرد دنیایی‌کردن دین، هم به دنیا و هم به دین ضربه می‌زند. به اذعان ایشان همان‌گونه که در مورد قرآن ادعا نشده که کتابی برای آموزش اقتصاد، مدیریت و غیره است و این امور را باید با کمک عقل و تجربه حس کرد (بازرگان، ۱۳۷۳: ص ۵۸-۶۰)، همانطور نیز سیاست و اصلاح امور زندگی را نیز باید با استمداد عقل به دست آورد.

بنابراین، نهضت آزادی به عنوان یکی از نمایندگان گفتمان «ملی‌گرای سکولار» به شمار می‌رود که مشخصه اصلی آن، نوعی برداشت و تفسیر حداقلی از اسلام است که بر عنصر دولت-ملت در محدوده سرزمین ایران به عنوان دال مرکزی گفتمان خود، تأکید دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ص ۱۹۹) برداشت حداقلی از اسلام، منجر به فردی کردن و حذف اسلام از جامعه و شکل‌گیری سکولاریسم به مثابه اساس تفکرشان می‌شود. سایر مؤلفه‌ها در این گفتمان، مانند آزادی، دموکراسی، توسعه و سیاست خارجی براساس نگرش حداقلی به دین و سکولاریسم معنایی و مفصل‌بندی می‌شوند. اعتقاد به سکولاریسم با موضع‌گیری‌های بازرگان در مورد مؤلفه‌های زیر مشخص می‌شود.

**الف. تأکید بر ملی‌گرایی**

با توجه به مفصل‌بندی گفتمان نهضت آزادی به نظر می‌رسد اسلام‌گرایی «دال غیر» این گفتمان محسوب می‌شود. آنچه از بررسی آثار مهندس بازرگان به دست می‌آید تأکید بر عنصر دولت - ملت در مقابل اسلام و به عبارت دیگر تقدم ایران بر اسلام است. در مرامنامه نهضت آمده است: «ما مسلمان، ایرانی، تابع قانون اساسی مشروطه و مصدقی هستیم» (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۷-۱۸). بازرگان یکی از تفاوت‌های اساسی بین نهضت آزادی و نیروهای انقلابی را در این می‌داند که امام و انقلابیون خواستار اسلام و خدمت به دین بودند، ولی نهضت آزادی، خواستار خدمت به ایران بود.

**ب. مخالفت با تشکیل حکومت دینی**

نگرانی عمده این جریان، تشکیل حکومت براساس ارزش‌های دینی بود. در این راستا حتی اصرار می‌کردند که پیامبران به دنبال تشکیل حکومت نبوده‌اند و اگر هم پیامبری تشکیل حکومت داده، استثناء بوده است.

نهضت آزادی معتقد است بر فرض اینکه یک حکومت و دولت دینی از همه جهت تمام و کمال به دست مؤمنان تشکیل شود، آنچه نباید این حکومت و دولت دخالتی در آن بنماید، دین و اخلاق مردم است؛ چراکه دولت یعنی قدرت و زور در برابر تجاوز بیگانگان به کشور، اما در برابر عقیده، عبادت و رابطه انسان با خود و خدا یعنی آزادی و تقرب، بسیار اشتباه و نقض غرض است که دولت حضور پیدا کند. این جریان با انتقاد از نظام جمهوری اسلامی می‌گوید:

در این نظام، شعار دین و دنیا با هم تلفیق شد و به صورت دین و سیاست تابع روحانیت درآمد و کار را به جایی رساند که گفتند حکومت و بقای نظام یا به عبارت دیگر قدرت و حاکمیت از اولویت و اصالت برخوردار است. اگر مصالح دولت و حفظ امت اقتضاء نماید می‌توان اصول و قوانین شریعت را فدای حاکمیت نمود، تا جایی که توحید نیز تعطیل گردد (بازرگان، ۱۳۷۳: ص ۵۸).

مهندس بازرگان عقب‌افتادگی مسلمانان را به عنوان پیش فرض دانسته و آن را «درخت تنومندی



می‌داند که توسط پدران خیلی مقدس این ملت کاشته شده است» (بازرگان، ۱۳۴۴: ص ۱۰۵-۱۱۰)، نه اینکه ریشه در غرب و استعمار داشته باشد و به نوعی تهاجم غرب محسوب گردد. (ر.ک: همان: ص ۱۵۲)، بلکه معتقد است «آن چیزی که مبدأ مشترک بدبختی ما ملل مسلمان است مسلمانی ما» می‌باشد (همان: ص ۱۰۸)، چراکه دینی که به خاطر دنیا درست شود، نه دنیاست، نه دین و نه خدا؛ شرکی در کنار و در برابر توحید و مصداقی از انقلاب و بازگشت به عقب یا به خسران و هلاکت است (بازرگان، ۱۳۷۳: ص ۵۸).

بازرگان مرشد فکری نهضت آزادی، اصلاح امور دنیوی توسط پیامبران را موجب تنزل شأن آن‌ها دانسته، به گونه‌ای که منجر می‌شود در حد اصلاح‌طلبان متفکر بشری گردند و شأن پیامبران مانند گاندی، پاستور و مارکس شود. ایشان در این باره می‌گویند:

ابلاغ پیام‌ها و انجام کارهای اصلاحی و تکمیلی دنیا در سطح مردم، دور از شأن خدای خالق انسان و جهان بوده و تنزل دادن مقام پیامبران به حدود مارکس‌ها، پاستورها<sup>۲</sup>، گاندی‌ها<sup>۳</sup>، جمشید و بزرگمهر و حمورابی است (بازرگان، ۱۳۷۳: ص ۴۸-۴۹).

در واقع این جریان مبنای نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر اندیشه ایجاد حکومت دینی توسط پیامبران است را مورد انکار قرار می‌دهد. بر این اساس تأکید دارند دین از عهده اداره زندگی دنیوی مردم بر نمی‌آید و اگر از دین انتظار داشته باشیم دنیای ما را آباد سازد، دینی خواهد شد دنیوی، که موجب تنزل آموزه‌های دینی می‌شود.

### ج. مخالفت با اصل ولایت فقیه

نهضت آزادی پس از انقلاب، به خاطر در دست داشتن قدرت و به جهت اینکه از صحنه

- 
1. Marx
  2. Pasteur
  3. Gandhi

سیاسی کشور حذف نشود، تلاش کرد در عین بی‌اعتقادی به اصل ولایت فقیه، خود را در ظاهر همراه و حامی امام نشان دهد. این جریان در فضای پیروزی انقلاب اسلامی به پیروی از نیروهای انقلابی، گوی سبقت را از همه طرفداران نظریه ولایت فقیه ربود و در مرامنامه نهضت آزادی در بهمن ماه ۱۳۵۷ نوشت:

بنابر اینکه ایدئولوژی الهی حکومت اکثریت، حق تحمیل عقیده و وضع اصول قانونی را ندارد و قانون‌گذار علی‌الإطلاق خداست و در حکومت اسلامی قوانین موضوعه باید مبتنی بر اصول الهی باشد و در مورد ولایت فقیه در زمان نخست‌وزیری، بازرگان امام خمینی را رهبر بزرگ و زعیم عالی‌قدر می‌داند که طبق حق شرعی و قانونی، این انتخاب را انجام داده است و می‌گوید طبق فرمان آیه شریفه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، اطاعت از این امر وظیفه شرعی و عقیدتی ما است (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۷۱).

اما این ظاهرسازی چندان دوام نیاورد و مخالفت‌ها به شیوه‌های گوناگون آغاز شد. نهضت آزادی به بهانه این‌که ولایت فقیه با آزادی انسان در تضاد است، به شبهه‌افکنی درباره ولایت فقیه پرداخت و آن را تحمیل حاکمیت روحانیت بر مردم نام نهاد (بازرگان، ۱۳۶۴: ص ۷۱). رهبر این جریان در مورد مخالفت با ولایت فقیه تا آن حد پیشروی می‌کند که ولایت فقیه را آفت واقعی توحید، رسالت و امامت می‌داند و می‌گوید اینکه ولی فقیه طبق مصلحت حکومت، احکام الهی را تعطیل نماید، از آفات واقعی توحید است (ر.ک: یوسفی اشکوری، ۱۳۷۷: ص ۳۶). نهضت آزادی پس از انقلاب بارها بر این مسئله تأکید داشته که ولایت فقیه یک اصل یا نظر فقهی سیاسی بدیعی است که از اصالت و اعتبار کافی برخوردار نیست. در قرآن کریم، سنت رسول خدا(ص) و روایات اهل‌بیت(ع)، نه تنها دلیل روشنی در نصب ولی فقیه نمی‌توان یافت، بلکه شدیداً نیز نفی شده است. علاوه بر این، اصل ولایت فقیه، مشروعیت قانونی نداشته و چنین منصبی را برای فردی قائل شدن خیانت به آرمان‌های انقلاب و ملت است. همچنین از نظر سیاسی-اجتماعی ولایت فقیه چیزی جز خودکامگی یا استبداد دینی و دولتی نیست و موجب محو آزادی

و استقلال می‌شود (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۷: ص ۱۵-۱۸).

این جریان گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی را از انحرافات پس از انقلاب می‌داند و اعتقاد به ولایت فقیه را شخص پرستی در مقابل خداپرستی می‌داند که باید با آن مقابله کرد، چراکه اعتقاد به ولایت فقیه در حد شرک به خداوند به حساب می‌آید و دنیاطلبی از راه دین و تقدس و ریاست‌خواهی بوده و معتقد است اعطای قدرت مطلقه به حکومت یا به ولی فقیه مغایر با اسلام و توحید ابراهیمی می‌باشد. به این خاطر فاقد اصالت و اعتبار است (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۶/۱۰/۳۰: ص ۱).

نهضت آزادی ولایت فقیه را مخالف اندیشه، حقیقت، کمال و ترقی شمرده و می‌گوید: باعث تأسف می‌شود و وحشتناک می‌باشد که به استنباط‌های شخصی و نظریات سیاسی و مقامات حکومتی عنوان دینی و کسوت خلیفه‌اللهی ببوشانند که مترادف و ملازم با اسلام و معادل با وحی و رسول و یا جانشینان تمام‌عیار خدا و امام درآید و مخالفت با آن‌ها را در حکم محاربه با خدا قرار دهند. به این ترتیب، ترکیب قدرت سیاسی و دیانت روحانی، بدعت و مصیبت کلیسای قرون وسطا بر سر امت سایه می‌افکند ... قرآن و اسلام حاکمیت مطلقه و ارباب بودن را برای هیچ موجود و مقامی به حکم «وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ» نمی‌شناسد (بازرگان، ۱۳۶۴: ص ۷۸).

بازرگان مشکل جامعه ایران را در «استبداد سیاسی» که به نام ملیت یا دین یا حفظ وحدت کشور اعمال می‌شود، می‌داند. ایشان به صراحت بیان می‌کند که پیامبران اصلاً برای تأسیس و تشکیل حکومت نیامده بودند تا عده‌ای در دوران غیبت به نام آن‌ها دولت ایجاد کنند و بر گرده مردم سوار شوند و تمام ظلم‌ها و تعدیات را به نام خدا و رسول خدا(ص) انجام دهند (ر.ک: بازرگان، ۱۳۷۳).

رهبر این جریان با استناد به آیات قرآن و سیره پیامبر(ص) و ائمه به اثبات این موضوع می‌پردازد که مسئول اداره جامعه و اصلاح امور اجتماعی در دوران غیبت، خود مردم هستند.

بنابراین، عقل بشری که در علوم تجربی تبلور می‌یابد میزان و معیار مناسبی برای بشر جهت اداره مناسب‌تر دنیا بوده که با راه انبیاء هماهنگ است. ابراهیم یزدی در این زمینه می‌نویسد:

نمی‌توان ادعای جمهوریت داشت، اما حاکمیت و نقش ملت را در تعیین سرنوشت‌شان انکار و نفی یا از اعمال آن جلوگیری کرد و آن را اسلامی خواند. آنچه به نام نظریه ولایت فقیه می‌گویند در واقع نفی کامل جمهوریت به معنای حاکمیت ملت است (یزدی، ۱۳۸۶: ص ۱۸۶).

این جریان معتقد است مصلحت‌طلبی ولی فقیه برای نظام به معنای فدا کردن دین به پای حکومت است و بحث ولایت مطلقه و مصلحت نظام به معنای ترجیح حکومت بر دین و یا تسهیل توسعه حکومت دینی و تلاش در جهت دینی‌تر کردن جامعه محسوب می‌شود (بهرام‌سیری، ۱۳۷۶: ص ۳۶۳).

با این توضیح، مفاهیمی مانند صدور انقلاب، رفع ظلم از مستضعفین جهان و غیره در این گفتمان نمی‌گنجد. چراکه استنباط آنها از اصل «نه شرقی نه غربی»، مترادف با اصل عدم تعهد و موازنه منفی و در نهایت تدافعی می‌باشد.

#### د. تفسیر دین براساس لیبرالیسم

لیبرالیسم به اصطلاح مذهبی، گرایش فکری و ایدئولوژیکی است که تلاش می‌کند تا با ارائه تفسیری التقاطی از مفاهیم و معانی اسلامی نوعی اندیشه لیبرالی با رنگ و لعاب ظاهر دینی ارائه کند. نوع برداشت دینی مهندس بازرگان را می‌توان به عنوان سمبل تفکر التقاطی محسوب کرد. در واقع مهندس بازرگان تلاش می‌کند با مسخ برخی مفاهیم اعتقادی و ارائه تفسیرهای به اصطلاح «سمبولیک-آمپریستی»<sup>۱</sup> تصویری غیرواقعی از تفکر اسلامی ارائه دهد، تصویری که با خواست‌ها و باورهای لیبرالی هماهنگ است (زرشناس، ۱۳۷۸: ص ۱۰۹). بنابراین، پیامد این‌گونه تفاسیر لیبرالی از دین، سکولاریسم خواهد بود، زیرا روش‌شناسی تجربی صرفاً از ظرفیت محدودی در

حیطه ادراکات حسی برخوردار است. استفاده از روش آمپریستی<sup>۱</sup> در تفسیر مفاهیم دینی، مفاهیم اساسی و ملکوتی دین را به درک تجربی تنزل می‌دهد و بدین‌سان از حقیقت ماورایی خود دور می‌کند.

مهندس بازرگان اصل مشورت بین مؤمنین را همان قرارداد اجتماعی موردنظر «ژان ژاک روسو»<sup>۲</sup> و «منتسکیو»<sup>۳</sup> دانسته (بازرگان، ۱۳۶۴: ص ۴۰۸). این‌گونه تفاسیر در واقع تحریف‌های ایدئولوژیک و سیاسی محسوب شده و محملی در جهت پیوند دین و لیبرالیسم تلقی می‌گردند. ایشان با تقسیم تحولات اروپا در عصر جدید به سه مرحله یعنی بازگشت، اصلاح و تجدید حیات، بیان می‌کند که مسلمانان نیز چنین تحولی را در قرن‌ها پیش طبق آیه «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأُصْلِحُوا وَيَتَّبِعُوا» در خود داشته‌اند (ر.ک: بازرگان، ۱۳۶۲: ص ۱۱۶). به همین دلیل مهندس بازرگان با این روش، روح ماورایی و جامع تمام مفاهیم دینی را حذف کرده و با تفسیری پوزیتیویستی<sup>۴</sup> از دین، به دامن سکولاریسم می‌غلتد. مخالفت او با تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام نتیجه این رویکرد التقاطی به دین است.

ویژگی پروژه علمی کردن دین در این است که این رویکرد، دیگر به حذف دین نمی‌اندیشد، بلکه بی‌طرف کردن و به عبارت دیگر، سکولار کردن دین، محور قرار می‌گیرد و تقریباً تمامی احکام سیاسی و اجتماعی اسلام ساقط شده و چارچوب گفتمانی و معرفت‌شناختی آن از تمدن جدید، به‌خصوص از جنبه عقلی و پسامدرنیستی<sup>۵</sup> آن گرفته می‌شود. این نسل با تفکیک کردن مدرنیته از مدرنیسم، عمدتاً به نگرش‌های جدید غرب هم‌چون انسان‌مداری، آزادی و عقلانیت که از اصلی‌ترین شاخصه‌های عرفی شدن محسوب می‌شوند، توجه کرده و اعتقاد به عقل خودبنیاد

- 
1. Empiricism
  2. Jean-Jacques Rousseau
  3. Montesquieu
  4. Positivism
  5. Postmodernism

بشری و انسان مدرن را زیربنای اصلی مدرنیته می‌داند که با آن باید به بازفهمی و بازسازی دین، فرهنگ سنتی و بومی پرداخت.

این جریان با بررسی نقش علما در تاریخ معاصر، روحانیون را افرادی سودجو و حریص قدرت می‌داند که به خاطر منافع خود با استبداد و استعمار جنگیدند. به این جهت معتقدند روحانیت با در دست داشتن قدرت سیاسی و اقتصادی در پی کنار زدن سایر گروه‌های فکری-سیاسی است تا بتواند نوعی استبداد دینی را به جامعه عرضه کند (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲: ج ۱۱، ص ۱۲۲).

بازرگان معتقد بود روحانیت نباید تصور کند مقام منحصر به فردشان حق دخالت در سیاست را به آن‌ها داده؛ چراکه نتیجه قدرت‌گیری روحانیت باعث ایجاد جامعه طبقاتی که دور از جامعه توحیدی است می‌شود (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲: ج ۱۱، ص ۱۲۳).

پیامد چنین نگاه التقاطی نهضت آزادی، اسلام منهای روحانیت است که این جریان با امتزاج لفظ بیعت در اسلام، با حکومت مشروطه‌گر که محور آن پایه حکومت پارلمانتاریستی<sup>۱</sup> است یکی از موارد التقاطی اندیشه خود را بنیان نهاده است.

نهضت آزادی در توجیه کنار نهادن روحانیت از امور کشور، معتقد است چنانچه روحانیون در رأس کار قرار گیرند، آزادی از بین می‌رود. چون کوچک‌ترین ایراد از وضعیت سیاسی و فرهنگی جامعه معارضه با خدا و حکم سخن‌گویان خدا (روحانیون) که به زعم خودشان مصون از خطا هستند، به حساب می‌آید. همچنین علما بر این پندارند، حاکمیت مطلق از آن خدا است و آن‌ها نمایندگان خدا بر روی زمین‌اند و حکومت، حق الهی آنان است و مردم فاقد چنین حقی هستند؛ تنها تکلیف مردم، تمکین مطلق از آنان است؛ به عبارت دیگر، نهادهای دینی و روحانیون برای خود حق ویژه الهی قائل هستند که جایی برای آزادی و اختیار مردم باقی نمی‌گذارند (یزدی، ۱۳۸۶: ص ۳۱). این جریان ضمن بیان تخصصی بودن مملکت‌داری و تشبیه روحانیت در اسلام به

کشیش کلیساهای قرون وسطی (ر.ک: بازرگان، ۱۳۶۳: ص ۱۸۱) معتقد بودند چنانچه خلافت روحانیت پذیرفته شود، ضرورت می‌یابد که محدودیت، اجبار و اسارت با همه تجسس‌ها و تفتیش عقاید و حداکثر خشونت و خصومت با غریبه و خودی را نه تنها بی‌رحمی و گناه، بلکه عین اعتقاد به خدا بدانیم (بازرگان، ۱۳۶۴: ص ۶۲-۶۳).

### ه. مخالفت با اجرای احکام دینی

از موضوعاتی که بازرگان در چارچوب پارادایمی<sup>۱</sup> خود از آن‌ها بحث می‌کند، موضوع «مطهرات در اسلام» است که به‌عنوان کتاب بازرگان در این موضوع شناخته شده است. تلاش این جریان جهت زدودن خرافه‌پرستی و بوی کهنگی از احکام دین منجر شد احکام دین را قادر به اداره حکومت اسلامی ندانند؛ بر این اساس معتقد بودند که «فقه ما در خم اول کوچه مانده» است (بازرگان، ۱۳۳۸: ص ۵۳).

## ۲. بررسی و تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی

برای تبیین و بررسی میزان تفاوت اندیشه نهضت آزادی با گفتمان انقلاب اسلامی ضروری است به‌صورت مختصر، نظام معنایی، مفصل‌بندی و دال مرکزی گفتمان انقلاب مشخص شود.

### الف. اسلام ناب محمدی، دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی

در گفتمان انقلاب اسلامی مفهوم نهایی و دالی که باعث تولید معنا، حتی برای «دال جمهوری اسلامی» شده و حتی دیدگاه‌های امام خمینی را شکل داده، «دین اسلام» است. عناصر و نشانه‌های مختلفی در این گفتمان با توجه به دال مرکزی اسلام، معنا گرفته‌اند. در این گفتمان، تمامی دال‌های شناور و سایر مفاهیم، مانند استقلال، آزادی، استکبارستیزی، مردم‌سالاری دینی، عدالت و خدمت به مستضعفین از اسلام نظم گرفته و با هم مفصل‌بندی شده‌اند؛ اسلامی که در

---

1. Paradigm

کلام امام خمینی و مقام معظم رهبری از آن به «اسلام ناب محمدی» تعبیر می‌شود. در این زمینه امام خمینی می‌فرماید:

به تنها چیزی که باید فکر کنید، استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی است؛ اسلامی که غرب و در رأس آن آمریکای جهان‌خوار و شرق و در رأس آن شوروی جنایت‌کار را به خاک مذلت خواهد نشاند (خمینی، ۱۳۸۷: ج ۲۱، ص ۲۰۴).

با مطالعه آثار و سخنرانی‌های امام خمینی و ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی، می‌توان «اسلام ناب محمدی (ص)» را به‌عنوان دال مرکزی این گفتمان محسوب کرد.

### ب. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی

بی‌تردید فهم ویژگی‌های اسلام ناب محمدی در تبیین و تحلیل دقیق جهت درک تفاوت این گفتمان با سایر گفتمان‌ها ضروری است. امام خمینی در معرفی اسلام حقیقی، اصطلاح «اسلام ناب محمدی (ص)» را در برابر «اسلام آمریکایی» به کار بردند و در غالب پیام‌ها و سخنرانی‌ها بارها به مناسبت‌های مختلف در معرفی این دو اسلام پافشاری می‌کردند و بازشناسی اسلام ناب محمدی و جدا کردن آن از اسلام آمریکایی را از واجبات سیاسی بسیار مهم می‌دانستند (خمینی، ۱۳۸۷: ج ۲۱، ص ۱۲۱).

مقام معظم رهبری در بیان شاخصه‌های انقلابی‌گری به تعریف اسلام ناب محمدی در برابر اسلام آمریکایی پرداختند که در این تعریف، مفهوم اسلام ناب و اسلام آمریکایی به زیبایی و دقت هرچه تمام‌تر بیان شده است:

اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است، اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار، که این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرت‌های مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند. اسلام ناب اسلامی است که همه‌جانبه است، از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴).



بر این اساس، ویژگی‌های اسلام ناب عبارت‌اند از:

### ۱. نفی جدایی دین از سیاست

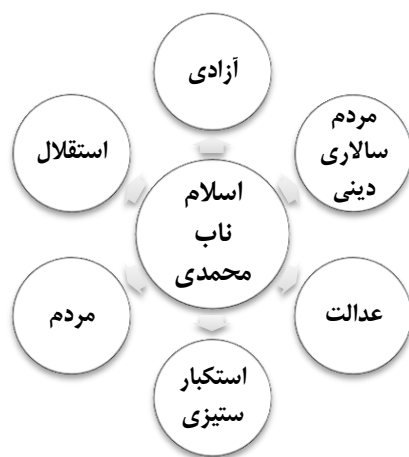
مهم‌ترین ویژگی و اساس اسلام ناب رابطه دین و سیاست و جایگاه سیاست در اسلام ناب است. همان‌طور که می‌توان سنگ بنای اندیشه سیاسی امام خمینی را نیز در این موضوع یافت. اسلام ناب بر اساس فهم دقیق خود نگرش حداکثری به دین دارد و برای تمام ابعاد اجتماعی نسخه هدایت و دستورالعمل و قانون ارائه می‌کند (ر.ک: جلالی و ترابی، ۱۳۹۵). از این‌رو اسلام ناب، حکومت را جزء دین می‌داند و سیاست را عین دیانت می‌انگارد و وظیفه دینداران را تلاش جدی در عرصه سیاسی می‌داند، چراکه تحقق قسط و عدالت اجتماعی را مهم‌ترین هدف سیاسی اجتماعی دین و اسلام تلقی می‌کند. امام خمینی، بدین جهت معتقدند «اسلام تمامش سیاست است» (خمینی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۲۷۰).

### ۲. نفی تحجر

دومین مفهومی که امام خمینی برای توصیف اسلام آمریکایی بیان کرده‌اند، تحجرگرایی است. در این مفهوم قرائت‌های متحجرانه برخی علما و روحانیون دین که منتج به معرفی اسلام منهای سیاست و ایده حکومت‌داری می‌شوند، مورد نفی قرار می‌گیرد. این چنین تفاسیری از منظر گفتمان مورد بحث، نگاهی جزئی‌نگر، تقلیل‌گرا و به دور از عقلانیت اسلامی شیعی است (ر.ک: همان، ج ۸، ص ۱۲).

### ۳. نفی اسلام التقاطی

از دیگر تفاسیر مردود از منظر این گفتمان، اسلامی است که با مبانی و آموزه‌های سایر ایدئولوژی‌های غیر الهی مخلوط شود و به اصطلاح، اسلام التقاطی را ایجاد کند، به‌عنوان مثال اسلامی که با مبانی مارکسیسم یا لیبرالیسم و ناسیونالیسم سازگار شود. به عبارت دیگر، این نوع برداشت‌ها به دنبال تعریف اسلام مطلوب از دیدگاه گفتمانی خود هستند و از این رهگذر دین اسلام به‌مثابه ابزار و بستری برای تحقق اهداف چنین ایدئولوژی‌هایی تلقی می‌شود. امام خمینی تفکر التقاطی را خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۷: ج ۱۲، ص ۲۰۸).



شکل ۲. ترسیم گفتمان انقلاب اسلامی

### ۳. مواجهه اندیشه نهضت آزادی با گفتمان انقلاب اسلامی

با توجه تجزیه و تحلیل هر دو گفتمان، می‌توان مهم‌ترین تفاوت این دو گفتمان را تفاوت در «دال مرکزی» قلمداد کرد. در نهضت آزادی «ملی‌گرایی با رویکرد سکولاریستی به مذهب» و در گفتمان انقلاب اسلامی «اسلام ناب محمدی» به عنوان دال مرکزی در نظر گرفته شده است. با توجه به این تفاوت در دال مرکزی، می‌توان مواجهه آنها را «مواجهه بنیادی و اساسی» عنوان کرد. به صورتی که گفتمان انقلاب اسلامی، از اساس، اندیشه نهضت آزادی را طرد کرده و در غیریت‌سازی با آن، مفاهیم خود را مفصل‌بندی کرده است. گفتمان انقلاب اسلامی بر دو محور، اندیشه نهضت آزادی را طرد می‌کند.

#### الف. نفی جدایی دین از سیاست (سکولاریسم)

از مبانی مهم نهضت آزادی که تضاد کاملی با دال مرکزی گفتمان انقلاب دارد، جدایی دین از سیاست یا سکولاریسم است. همان‌گونه که بیان شد نهضت آزادی نگاهی سکولار به دین دارد. در حالی که گفتمان انقلاب اسلامی، چنین اندیشه‌ای را اسلامی تحریف شده و «اسلام آمریکایی» می‌خواند و تأکید می‌کند که وظیفه روحانیت دخالت در سیاست است (همان: ج ۲، ص ۳۶) و جدا

کردن دین از سیاست، توطئه‌ای به منظور پیشگیری حاکمیت اسلام می‌باشد. خدشه و آسیبی که متوجه رویکرد سکولاریستی نهضت آزادی می‌شود، آن است که اسلام، دینی سیاسی است و نمی‌توان تجربه مسیحیت را که مبتنی بر جدایی دنیا و آخرت است در اسلام به مرحله اجرا درآورد. البته قابل تأمل است که هرگز این جریان متذکر نمی‌شود، حکومت‌های غیردینی و سکولار دچار چه آفات و آسیب‌هایی هستند، هرگز سخنی از مشکلات اخلاقی، بی‌عدالتی و آلودگی‌های سیاسی و اجتماعی جوامع سکولار به زبان نمی‌آورند. با این همه به مسئله عدالت اجتماعی و اصلاح مفاسد اجتماعی که قرآن بسیار به آن‌ها تأکید دارد، توجه نکرده و اصلاح جامعه را دور از شأن پیامبران دانسته‌اند.

باید گفت اندیشه سکولار به جای نفی خدا، با انکار حاکمیت تشریحی خداوند، اساساً تشریح را از امور دنیوی دانسته و آن را در حوزه صلاحیت انسان قرار می‌دهد. در واقع سکولاریسم با قطع نظر از اثبات یا نفی مبدأ ماورائی، به نفی خدائی بودن و قدسی شدن امور دنیایی نظر دارد (باقرزاده، ۱۳۸۴: ص ۱۵).

در حقیقت این جریان با این تفکر که اساس اداره جامعه باید احکام فقهی، قرآن و سنت باشد، اعتقادی نداشته و به اسلام به عنوان مکتبی که باید جامعه را اداره کند، معتقد نبودند؛ به این خاطر با تفسیر آیات براساس آموزه‌های غربی تلاش کرده تا حکومت‌های بشری را توجیه کنند.

### ب. نفی اندیشه التقاطی

دومین مواجهه گفتمان انقلاب اسلامی با اندیشه نهضت آزادی، در نفی اندیشه التقاطی دینی است. یکی از مؤلفه‌های مهمی که دال مرکزی انقلاب اسلامی آن را نفی می‌کند، اندیشه التقاطی است. نهضت آزادی به لحاظ تئوریک، مظهر تداوم میراث تفسیر پوزیتیویستی دین بوده و مفروضات و آراء مبنایی آن، انعکاسی از باورهای لیبرالی است.

در خصوص دیدگاه «اسلام منهای روحانیت»، اشکال بنیادی نهضت آزادی آن است که این جریان ریاست دینی پاپ‌ها را با ریاست روحانیت دین اسلام همسان دانسته است، اما غافل از

آنکه ولی فقیه در حکومت دینی باید دین شناس، باتقوا، زاهد، مدیر و مدبر باشد. بنابراین، ولی فقیه در چهارچوب احکام دینی عمل می کند و کاملاً پیرو شریعت و اجرای کامل دستورات دین است. در حالی که در دوران حاکمیت پاپ‌ها، اصحاب کلیسا به نام دین و دینداری، جامعه و مردم را فریب می دادند و نسبتی با دین و دی داری نداشتند، به همین دلیل تعمیم دادن تجربه حاکمیت هزارساله کلیسا به تمام حکومت‌های دینی نوعی مغالطه، تحریف و قلب واقعیات محسوب می شود.

امام خمینی با تأکید بر اینکه دیدگاه «اسلام منهای روحانیت»، نفی اسلام است (خمینی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۴۶۳) می فرماید:

«سعی کنید اسلامتان از روحانیت جدا نشود و با آنان که اسلامشان با روحانیت

مخالف است، مخالفت کنید» (خمینی، ۱۳۸۷: ج ۱۵، ص ۳۲۲).

البته باید به این نکته توجه کرد که چنین افرادی می خواهند ثابت کنند که ولایت فقیه ضد دموکراسی است، اما باید اذعان داشت حکومتی که بر مبنای ولایت فقیه ایجاد شود، دموکراسی در بطن آن موجود است. امام خمینی، علت اعتقاد به دیکتاتوری بودن ولایت فقیه را تنفر از اسلام از سوی معتقدان آن می داند (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۷: ج ۱۰، ص ۳۰۹).

ساینسیسم<sup>۱</sup>، مرعوبیت و شیفتگی به غرب و باورهای عمیق لیبرالی، موجب شده است که نهضت آزادی در ردیف افراطی ترین انواع تفکر التقاطی قرار گیرد، در حالی که اساس گفتمان انقلاب اسلامی بر اسلام ناب محمدی (ص) تکیه دارد، اسلامی حقیقی که از صاحب آن، پیامبر اکرم (ص) بی هیچ پیرایه و آرایشی به امیرالمؤمنین (ع) و سپس از ایشان به ائمه بعدی (ع) منتقل شده و در قول و عمل و در عقیده و رفتار به آن پایبند بوده و از آن بزرگواران نسل به نسل گشته تا به ما رسیده است.

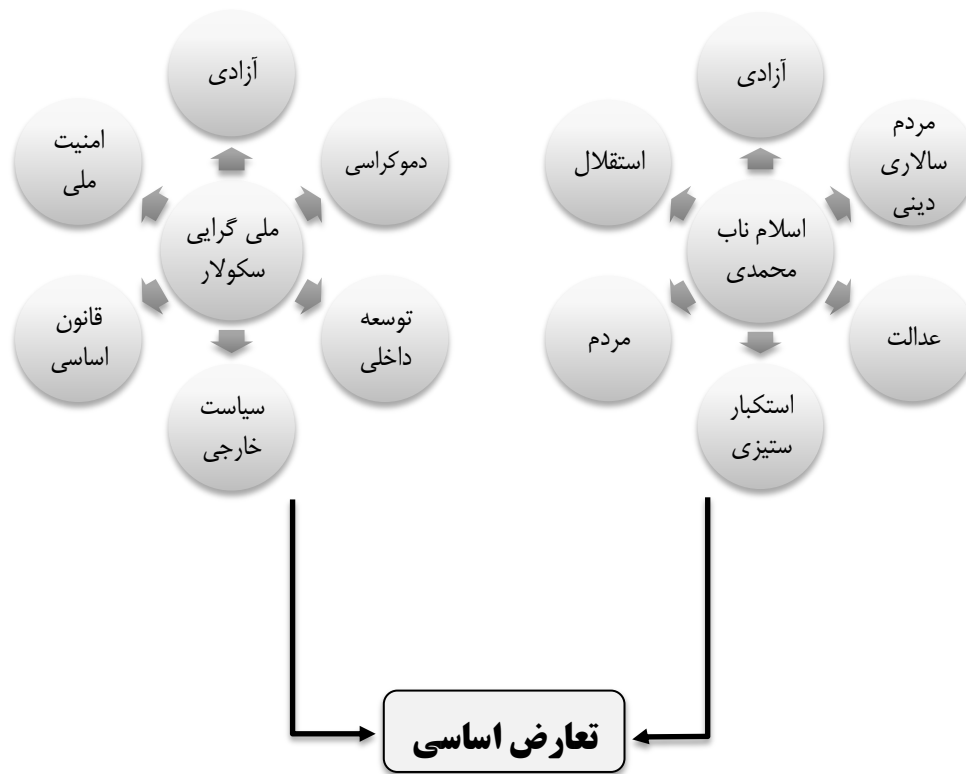
## نتیجه‌گیری

براساس روش تحلیل گفتمان، «ملی‌گرایی با نگرش حداقلی به دین» دال مرکزی نهضت آزادی و اساس مفصل‌بندی سایر مفاهیم این اندیشه محسوب شده و این نگرش حداقلی، در حیطه سیاست منجر به سکولاریسم می‌شود. سکولاریسم و عدم دخالت دین در سیاست در آثار و سخنرانی‌های بازرگان به عنوان ایدئولوگ این جریان مشخص است. اساس این نگرش، پیامد نگاه پوزیتیویستی و التقاطی نهضت آزادی است.

ماهیت نگرش نهضت آزادی با گفتمان انقلاب اسلامی در تضاد است، چراکه در گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام ناب با نگرش حداکثری به دین، دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد و سایر دال‌ها توسط این نگرش مفصل‌بندی می‌شود. اساسی‌ترین ویژگی اسلام ناب، عینیت دیانت و سیاست است که براساس آن تشکیل حکومت اسلامی و ولایت فقیه معنادهی و ضرورت می‌یابد. بنابراین، نوع مواجهه این دو اندیشه کاملاً در تضاد با یکدیگر ارزیابی می‌شود.

درواقع نهضت آزادی در مقطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه در دهه ۱۳۶۰ مبانی فکری خود را بر دیدگاه جدایی دین از سیاست بنا نهاد. این طرح به‌صورت هسته‌تئوریک آراء نهضت آزادی در کنار مبنای سیاسی آزادی لیبرالی ارائه می‌شود که از لوازم آن دعوی جدایی دین از سیاست، مخالفت با تفکر اصیل اسلامی، نمایندگان و سخنگویان آن یعنی روحانیت است.

بر این اساس، هدف نهضت آزادی در دهه ۱۳۶۰ با ارائه و تأکید بر این مبانی، ایجاد فضایی جهت تحرک بخشیدن به نیروهای منفعل و منزوی ضدانقلاب و خارج کردن کنترل میدان حیات اجتماعی از اختیار نیروهای انقلاب بوده است. بنابراین، از فضای ملتهب جنگ و فضای انتخاباتی که حساسیت خاصی داشته است بیشترین بهره را برده‌اند.



شکل ۳. مقایسه دو گفتمان نهضت آزادی و انقلاب اسلامی

## منابع

۱. بازرگان، مهدی (۱۳۳۸). *مسلمان اجتماعی و جهان*. قم: نشر قیام.
۲. بازرگان، مهدی (۱۳۴۴). *نیک‌نیازی*. تهران: شرکت سهامی نشر.
۳. بازرگان، مهدی (۱۳۶۲). *گمراهان*. تهران: مؤلف.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. تهران: مؤلف.
۵. بازرگان، مهدی (۱۳۶۴). *بازیابی ارزش‌ها*. تهران: مؤلف.
۶. بازرگان، مهدی (۱۳۷۳). *آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء*. کیان، شماره ۲۸: ص ۴۶-۶۱.
۷. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۴). *اندیشه جهان‌شمولی حقوق بشر*. کتاب‌نقد، شماره ۳۶: ص ۳-۳۸.
۸. بهرام‌سیری، بهرام (۱۳۷۶). *نقد آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء*. کتاب‌نقد، شماره ۲ - ۳: ص ۳۱۵-۳۲۶.
۹. تاجیک محمدرضا (۱۳۸۳). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۰. جلالی، رضا؛ ترابی، محمد (۱۳۹۵). *معرفت‌شناسی باور دینی از دیدگاه استاد مطهری و تأثیر آن بر نسبت دین و سیاست*. *سیاست متعالیه*، سال چهارم، شماره ۱۵: ص ۲۳-۴۲.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۳/۱۴). *بیانات در: بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی*. قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33238>
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). *صحیفه امام (مجموعه بیانات و اطلاعیه‌های امام خمینی)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثا امام خمینی، ج ۱-۲، ۷، ۲۱، ۱۰، ۱۲، ۱۵.
۱۳. دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال (۱۳۹۲). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
۱۴. زرشناس، شهریار (۱۳۷۸). *اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران*. تهران: کیهان.
۱۵. سیاوشی، سوسن (۱۳۸۰). *لیبرال ناسیونالیسم در ایران*. علی‌محمد قدسی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام در ایران.
۱۶. قریشی، فردین (۱۳۸۴). *بازسازی اندیشه دینی در ایران*. تهران: قصیده سرا.
۱۷. محمدی، مجید (۱۳۷۴). *دین‌شناسی معاصر*. تهران: قطره.
۱۸. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۱). *اسناد نهضت آزادی ایران*. تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، ج ۱.

۱۹. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۲). اسناد نهضت آزادی. تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، ج ۱۱.
۲۰. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۷). تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه. [بیانیه]
۲۱. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۶/۱۰/۳۰). پیرامون ولایت مطلقه فقیه یا (انقلاب چهارم). [بیانیه]
۲۲. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۷/۱۲/۵). تجربه ده ساله انقلاب اسلامی ایران (به مناسبت ۲۲ بهمن). [بیانیه]
۲۳. یزدی، ابراهیم (۱۳۸۶). روشنفکری دینی و سکولاریسم. آئین، شماره ۹: ۲۴-۳۳.
۲۴. یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۷). نوگرایی دینی؛ نقد و بررسی جنبش اسلامی معاصر. تهران: قصیده.